

۲۰۲۲۵۱۰

۹۷، ۳، ۲۶

خلیج فارس

عرب‌های هوله کرانه شیبکوه ایران

THE PERSIAN GULF
THE HULA ARABS OF THE
SHIBKUH COAST
OF IRAN
“WILLEM FLOOR”

با مقدمه‌ای از دکتر ایرج افسار بیستانی

نویسنده: ویلیم فلور

مترجم: الناز بلوری فرد

با همکاری سارا دیانت و فاطمه رستمی

تابستان ۱۳۹۷

سرشناسه	فلور، ویلم ام، ۱۹۴۲ - م
عنوان و نام پدیدآور	Floor, Willem M
ترجمه	خلیج فارس: عرب‌های هوله کرانه شیبکوه ایران / نویسنده ویلم فلور
مشخصات نشر	الناز بلوری فرد با همکاری سارا دیانت، فاطمه رستمی؛ با مقدمه‌ای از ایرج افشار سیستانی
مشخصات ظاهری	تهران: سازمان نظام مهندسی معدن ایران، انتشارات، ۱۳۹۷.
شابک	۲۷۱ ص.
یادداشت	۹-۷۴-۶۴۲۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	عنوان اصلی: The Persian Gulf, the Hula Arabs of the Shibkuh coast of Iran, c2014
موضوع	فیبا
موضوع	اعراب هوله Hula arabs
موضوع	اعراب - ایران - شیبکوه (بندر لنگه) Arabs - Iran - Shibkuh (Bandar Lengeh)
شناسه افزوده	دیانت، سارا، ۱۳۶۵ - مترجم
شناسه افزوده	بلوری فرد، الناز، ۱۳۵۸ - مترجم
شناسه افزوده	رستمی، فاطمه، ۱۳۶۴ - مترجم
شناسه افزوده	افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۱۹ - مقدمه نویس
شناسه افزوده	سازمان نظام مهندسی معدن ایران، امور انتشارات
رده‌بندی کنگره	DSR ۷۲/الف ۸ ۱۳۹۷
رده‌بندی دیوبی	۹۵۵/۹۸۱۹
شماره کتابشناسی ملی	۵۳۸۳۵۸۷

عنوان کتاب: خلیج فارس: عرب‌های هوله کرانه شیبکوه ایران

نویسنده: ویلم فلور

مترجمان: الناز بلوری فرد با همکاری سارا دیانت و فاطمه رستمی

ویراستار ادبی و فنی: فاطمه شالچیان

صفحه آرایشی: نرجس علیرضازاده

طرح روی جلد: آیلین قاسم پور

تیراژ: ۵۰۰ عدد

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول

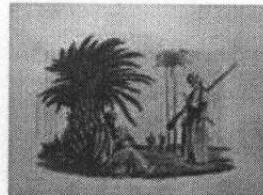
سال چاپ: ۱۳۹۷

درباره تصویر روی جلد

صفحه ۲۲ کتاب مسافرت به انگلستان - نقاشی/حکاکی

نوازنده نی‌انبان عرب و سرباز در سال ۱۸۱۶

از مجموعه متنوع عکس‌ها و دست‌نوشته‌ها در موسیقی عربی^۱



¹ Hand coloured aquatint from the "A journey from India to England, through Persia, Georgia, Russia, Poland, and Prussia, in the year 1817" by Lieut. Col. John Johnson (1768 — 1846). Engraved by Theodore Henry Adolphus Fielding (1781 — 1851)

فهرست

۱.....	درباره نویسنده.....
۲.....	یادداشت ویلیم فلور.....
۳.....	مقدمه دکتر ایرج افشار سیستانی.....
۵.....	سخن مترجم.....
۹.....	پیشگفتار.....
۱۰.....	درآمدی بر کتاب شییکوه.....
۱۶.....	یادداشت‌های پیشگفتار.....

فصل اول

۱۹.....	نخیل‌ها چه کسانی بودند؟.....
۱۹.....	ریشه نخیل‌ها.....
۲۴.....	وجه تسمیه نخیل‌ها.....
۲۴.....	تهدید نخیل‌ها.....
۲۵.....	پیمان شکنی و شورش نخیل‌ها.....
۲۷.....	نتایج رفتار نخیل‌ها.....
۳۰.....	نخیل‌ها، ابزاری برای سیاستمداران.....
۳۱.....	قتل عام نخیل‌ها در سال ۱۶۱۴ م: بهانه‌ای برای جنگ.....
۳۴.....	بندر نخیلو.....
۳۷.....	آیا نخیل‌ها دزد دریایی بودند؟.....
۴۱.....	برداشت کلی و نتایج پژوهش نویسنده.....
۴۵.....	یادداشت‌های فصل اول.....

فصل دوم

۵۱.....	بنی‌هوله در سده ۱۸ م.....
۵۴.....	مکان سکونت هوله‌ها.....

دلیل شهرت هوله‌ها ۵۷

کنگان و ساکنان آن ۶۱

آل‌نصور چه کسانی بودند؟ ۶۳

بازرگانی رایج در سده ۱۸ م. ۶۵

هوله‌ها و سلسله زندیان ۷۳

خاندان آل‌علی، مشکل‌ساز می‌شوند ۷۴

نبرد بحرین ۷۷

درگیری در بندر عباس و حومه ۷۷

رویز روی بهایی در بندر عباس ۸۶

کنگان - اهرام درم قبیله دشوار ۸۹

یادداشت‌های سال دوم ۹۵

فصل سوم

آل‌نصور در سده ۱۹ م. ۱۰۵

سکونت هوله‌ها در قرن ۱۹ م. ۱۰۶

آل‌نصور ۱۱۵

شجره‌نامه خانوادگی آل‌نصور ۱۱۹

افول کنگان و آل‌نصور ۱۲۴

تصاحب کنگان برای اولین بار - ۱۸۴۴ م. ۱۲۷

مناقشه با عسلویه ۱۳۰

مناقشه با چارک ۱۳۴

تاراج کنگان برای دومین بار - ۱۸۵۸ م. ۱۳۹

تاراج کنگان برای سومین بار - ۱۸۶۲ م. ۱۴۳

تاراج کنگان برای چهارمین بار - ۱۸۶۷ م. ۱۴۸

مشکلات در چارک ۱۵۰

سقوط شیخ مذکور ۱۵۳

آیا کشته شدن شیخ مذکور به معنی پایان توان عرب‌ها بود ۱۵۸

آیا وضعیت دیگر مناطق شییکوه فرق می‌کرد ۱۶۴

۱۶۹	نفوذ محلی شیخ‌های هوله
۱۷۲	فتنه علیه نخل تقی
۱۷۶	ادامه سریچی و مقابله با دولت مرکزی
۱۸۸	پایان سلطه شیخ‌های عرب بر کرانه شیکوه
۱۹۳	یادداشت‌های فصل سوم

فصل چهارم

۲۰۱	وسعت قلمرو آل‌نصور
۲۰۳	حوزه کنگا - طاهری
۲۰۴	کنگان
۲۰۵	جمعیت کنگن
۲۱۰	فعالیت‌های اقتصادی در کنگن
۲۱۴	درآمدهای ناشی از مالیات در کنگار
۲۲۰	طاهری
۲۲۹	حوزه گاویندی
۲۲۹	گاویندی
۲۳۶	شیو
۲۳۹	بستانه
۲۴۱	یادداشت‌های فصل چهارم
۲۴۴	سخن آخر
۲۴۹	واژه‌نامه
۲۵۱	پی‌نوشت ۱: حکایتی درباره منشأ هوله‌ها
۲۵۳	پی‌نوشت‌های ۲ تا ۹: شامل نامه‌نگاری‌ها و مستندات

فهرست جدول‌ها

جدول (۳،۱) نقاط اصلی مسکونی کرانه شیبکوه از شمال غربی تا جنوب شرقی ۱۹۰۰..... ۱۰۸
جدول (۳،۲) نحوه توزیع و جمعیت قبایل عرب در کرانه شیبکوه در سال ۱۹۰۰..... ۱۶۰
جدول (۳،۳) تقسیمات دولتی کرانه شیبکوه در پایان سال ۱۹۰۶..... ۱۶۴
جدول (۳،۴) مالیات رسمی که شیخ‌های عرب باید به دولت پرداخت می‌کردند..... ۱۷۰
جدول (۴،۱) جمعیت تخمینی کنگان (۱۹۴۰ - ۱۷۵۶)..... ۲۰۷
جدول (۴،۲) کشتی‌های ساکنان کنگان..... ۲۱۳
جدول (۴،۳) صادرات بوشهر به کنگان ۱۶-۱۹۱۵ (به تن)..... ۲۱۳
جدول (۴،۴) مسیر بین کنگان و فیروزآباد..... ۲۱۴
جدول (۴،۵) کشتی‌های ساکنان روستای اختر..... ۲۱۷
جدول (۴،۶) کشتی‌های اهالی تنک..... ۲۱۸
جدول (۴،۷) کشتی‌های ساکنان ماسر..... ۲۱۹
جدول (۴،۸) کشتی‌های اهالی نخل تقی..... ۲۲۰
جدول (۴،۹) صادرات بوشهر به طابری..... ۲۲۵
جدول (۴،۱۰) کشتی‌های اهالی طاهری..... ۲۲۷
جدول (۴،۱۱) کشتی‌های اهالی تنیک..... ۲۲۹
جدول (۴،۱۲) فهرست روستاهای ناحیه گاوبندی..... ۲۳۰
جدول (۴،۱۳) توزیع جمعیت در گاوبندی..... ۲۳۳
جدول (۴،۱۴) کشتی‌های اهالی شیرو..... ۲۳۹

فهرست عکس‌ها

۷	بندرهای کرانه شیپکوه
۸	بندرهای قبیله هول
۸	ساحل نشینان جزایر خلیج فارس
۱۵	مردم هرمز
۲۲	دزدان دریایی نوتاک
۴۱	ساحل نشینان خلیج فارس
۴۴	قلعه نصوری و بادگیرش در بندر طاهری
۹۵	ویرانه‌های ارگ دبو
۱۲۲	شجره نامه خانوادگی آل نادر - ارگ کنگان
۱۵۱	قلعه سرخ
۱۹۲	تزیینات دیوارها و ستون‌های قلعه طاهری
۲۰۹	ارگ کنگان
۲۱۷	ارگ پرک
۲۲۳	نقاشی‌های دیواری برگرفته از داستان‌های شاهنامه و سر در زرودی خانه
۲۲۳	نقاشی‌های دیواری ارگ شیخ طاهری
۲۲۶	ارگ تنبک
۲۳۳	هشتی ارگ گاویندی

سخن مترجم

خلیج فارس، یگانه صدف نیلگونی است که مرواریدهایش در طول تاریخ، زینت بخش ایران عزیز بوده است. مرواریدهایی که از آغوش نفت به تور صیادان و جاشوها غلتیده و از این روست که دستان زحمتکش و بردبارشان به سیاهی نفت و دل‌های دریایی‌شان به سپیدی مروارید است. از نفت و مروارید و مرجانش که بگذریم، خلیج فارس، گنجینه‌ای از ماهی‌ها و آبزیان به اندازه زیاد و گونه‌های بسیار در دل دارد. برای او که به این آبی بیکران، عشق می‌ورزد، راهی نیست مگر این که لنجی از خیال بسازد و دل به موج‌هایش بسپارد و تا خورشید روشن اندیشه، پारو بزند.

خلیج فارس، همواره مورد توجه پژوهشگران و صاحبان اندیشه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی و خارجی بوده و پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌های گوناگون درباره آن انجام شده است. با این وجود، هنوز هم جنبه‌های ناشناخته فرهنگی، تاریخی و گیتهائسی، پژوهشگران را به ادامه مطالعه درباره این گنجینه پاری تشویق می‌کند. پیشینه تاریخی خلیج فارس به حدود هزاره پنجم پیش از میلاد می‌رسد. از باستان تا امروز در همه آثار تاریخی، گیتهائسی، و فرهنگی، آراء و معارف‌های بزرگ جهان، آب‌های جنوب ایران از پیوستنگاه اروندرود تا تنگه هرمز به نام خلیج فارس شناخته شده است.

کتاب پیش رو، پژوهشی منسجم درباره عرب‌های مهاجری به نام "بنی‌هوله" است که در اواخر سده ۱۵ م، در کرانه جنوبی ایران و بین بوشهر و لنگه مستقر و به ملوانی، بازرگانی، ماهیگیری، صید مروارید و کشاورزی مشغول شده‌اند. در سده ۱۶ م، خشونت‌هایی در دریا ایجاد می‌شود که اندیشه و ژرفانگری درباره آن، بایسته است. بنی‌هوله در سده ۱۸ م، سعی می‌کند تا خلأ قدرت موجود در خلیج فارس را پر کند، اما به اثرهای گوناگون، توان خود را از دست می‌دهد. در این کتاب، به تفصیل، راجع به تاریخ این گروه، از هوله‌ها صحبت خواهد شد.

سرگذشت رازآلود خلیج فارس، همواره پژوهش در مورد آن را دلنشین می‌کند. درباره زندگی عرب‌های ساکن در نوار کرانه‌ای شیبکوه، با وجود پیشینه دراز و قدمتی کهن، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. این اثر، با توجه به پژوهش‌های دکتر ولیم فلور؛ ایران‌شناس هلندی؛ تلاش می‌کند تا با پژوهش‌های میدانی و مطالعه پیشینه موضوع، به بررسی تاریخی حضور و روند زندگی عرب‌ها در کرانه شیبکوه خلیج فارس بپردازد.

فرآیند ترجمه با حفظ و امانت‌داری محتوایی صورت گرفته و در کنار آن برای ارائه بهتر موضوع به مخاطب، تلاش شده است تا مطالعات تکمیلی که دستاورد پژوهش گروه مترجمین است، با نشانه [م] آورده شود.

از اساتید، پژوهشگران و خوانندگان گرامی در کمال احترام تقاضا می‌شود نظرات، پیشنهادها و انتقادات خود را ابراز دارند تا در چاپ‌های بعدی این اثر و نیز پژوهش‌ها، تدوین یا ترجمه‌های آتی به کار گرفته شود.

مهر و سپاس خود را تقدیم عزیزانی می‌دارم که در ترجمه و انتشار این اثر یاریم رساندند.

به‌هرشناسی: دکتر فاطمه رستمی

هرمرگان‌شناسی: مهندس سارا دیانت

ویراستاری و ابجی: مهندس فاطمه شالچیان

طراحی جلد: آلبینا اسماعیلی

در پایان، مراتب تشکر خود را با صورت ویژه از جناب آقای دکتر ایرج افشار سیستانی، چراغ روشن راه پر پیچ‌وخم مسیر ایران‌شناسی که با علاقمندی و حوصله بسیار، اینجانب را راهنمایی کردند، اعلام می‌دارم.

الناز بلوری فرد

elnazbolouri@yahoo.com

تهران- شهریور ماه ۱۳۹۷

پیشگفتار

در کرانه ایرانی خلیج فارس، علاوه بر بندرهای بزرگ و مشهور، بندرهای کوچکی نیز وجود دارند که ساکنانشان سالهاست به ماهیگیری، صید مروارید، داد و ستد، کشاورزی و گهگاهی نیز تعرض و خشونت دریایی مشغول هستند تا چرخ زندگی فقیرانه‌شان را بچرخانند. چنین روالی بیشتر در بندرهای بخش شییکوه^۱ رایج است. رقابت بین این بندرها چنان شدید است که گاهی اوقات منجر به درگیری‌های خونین و حتی مرگبار می‌شود. رؤسای این طایفه‌ها در صورت لزوم و گاهی اوقات به ناچار به دولت‌های مرکزی کشور ایران و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، خدمات دریایی ارائه می‌دادند. ساکنان این بندرها اغلب مهاجران عربی هستند که زبان، آداب و رسوم و مذهب (اهل تسنن) خاص خودشان را دارند. آنکه این بندرهای کوچک نسبت به بندرعباس، بندر بوشهر، بندرلنگه یا بندر کنگ از اهمیت پندار برتر ندارند، اما نمی‌توان نقش و سهم آنها را در دادوستد برخی کالاهای خاص در خلیج فارس و هم‌چنین نقش حاشیه‌ای که در بازرگانی از راه دور با دریای سرخ و اقیانوس هند دارند را نادیده گرفت. شواهد موجود نشان می‌دهد که نقش نظامی مهمی در این منطقه داشته و حتی در آن راه پیروزی‌هایی هم به دست آورده‌اند. با وجود پیشینه طولانی حضور اعراب در کرانه خلیج فارس کشور ایران، متأسفانه پژوهش‌هایی در این زمینه صورت نگرفته است؛ بنابراین بر آن شده‌ایم که کتاب حاضر به بررسی تاریخیچه حضور اعراب در کرانه شییکوه بپردازیم. از اواخر سده ۱۰^{۱۶} میلادی اعراب به «دزدی دریایی» شهرت داشتند. مهاجرت اعراب به ایران از سال ۱۵۷۰ میلادی آغاز شد. این افراد گرچه همگی عرب بودند، اما هر یک به طایفه خاصی تعلق داشتند و هیچ ساکنان این نواحی یکدست و همگن نبودند.

موضوع فصل اول کتاب حاضر دزدان دریایی است، در این فصل به بحث و بررسی گروهی از این اعراب به نام «نخیلو»^۲ می‌پردازیم که در دزدی دریایی زیانزد بودند. در سده ۱۷م، به اعراب ساکن حاشیه خلیج فارس ایران «هوله»^۳ می‌گفتند. با آنکه ایشان دزدان دریایی مشهوری بودند، اما با آغاز سده ۱۸م، تصمیم گرفتند تا نقش پررنگ‌تری در امور

^۱ shibkuh^۲ Niquelus^۳ Hulas or Huwalas

سیاسی - نظامی خلیج فارس ایفا کنند و شروع موفقی هم داشتند، اما چون از پایگاه مستحکمی برخوردار نبودند، نتوانستند توان منطقه‌ای خود را حفظ کنند (فصل دوم را ملاحظه کنید). در سده ۱۹م، هوله‌ها علاوه بر آنکه درگیر جنگ‌های دریایی و زمینی بودند، در بین خود نیز دچار درگیری شدند که منجر به قتل و خونریزی بسیاری شد. در این فصل به بحث و بررسی طایفه "آل‌نصور"^۱ کنگانی می‌پردازیم که نقش مهم و پررنگی در تعیین سرنوشت دیگر طوایف عرب ساکن بخش شییکوه داشته است. دولت‌های مرکزی ایران بارها سعی کرده‌اند تا مستقیماً اعراب این ناحیه را تحت کنترل خود درآورند، اما به سبب هزینه‌های هنگفتی که دربر داشته است و ضعف توان و اقتدار دولت‌های مرکزی، در نیل به این هدف ناکام ماندند. در واقع شیخ‌های این منطقه به جای تسلیم شدن در برابر دولت‌های مرکزی، همیشه توان آنها را به چالش کشیدند تا در این بازی سیاسی اوضاع را به نفع خود تغییر دهند.

این روند تا سال ۱۹۲۰م، یعنی زمانی که یک دولت مرکزی جدید، مقتدر و متمرکز روی کار آمد، ادامه داشت. با روی کار آمدن دولت جدید، شیخ‌های عرب، توان خود را از دست دادند و در نتیجه تصمیم گرفتند در سیستم اداری جدید جایی برای خود پیدا کنند و به این ترتیب به اعمال نفوذ خود در منطقه ادامه دهند (فصل سوم را ملاحظه فرمایید).

در فصل پایانی نیز به بحث درباره سرنوشت شیخ‌های آل‌نصور می‌پردازیم و شرح مفصلی خواهیم داشت بر ویژگی‌های گیتهاشناسی، اجتماعی و اقتصادی بندرها و روستاهای کوچکی که این قلمرو را تشکیل داده‌اند.

در پایان از سرکار خانم "کیت اوپن شاو"^۲ که در ترجمه این کتاب به زبان انگلیسی من را یاری کردند و همچنین جناب "گاس فلور"^۳ که مسئول تهیه نقشه‌ها شدند، تشکر کنم.

درآمدی بر کرانه شییکوه

اعراب ایران همگی ساکن حاشیه خلیج فارس هستند. این دسته از اعراب که در داخل مرزهای ایران زندگی می‌کنند، بازمانده‌های ارتش اعراب مسلمانی هستند که در سده ۷ و ۸م و پس از پیروزی‌های پی‌درپی مسلمانان از عراق به ایران آمدند. با اینکه اعراب حاشیه

^۱ Al Nasur

^۲ Keith Openshaw

^۳ Guss Floor

خلیج فارس از بصره و عمان به ایران آمده‌اند، اما این احتمال هم وجود دارد که برخی یا بسیاری از این اعراب مهاجر، رگ و ریشه هوله‌ای داشته باشند. چون مهاجرت اعراب به ایران در سده ۱۹ و ۲۰ میلادی همچنان ادامه داشت. حتی اعرابی هم هستند که از جنوب عراق به خوزستان مهاجرت کرده‌اند.^۱ در نتیجه در کشور ایران دو منطقه عرب‌نشین داریم. اولین ناحیه پرجمعیت عرب‌نشین، جنوب خوزستان است^۲ و دومین منطقه عرب‌نشین ایران هم ناحیه شبیکوه است.

شبیکوه در لغت به معنای «کوهپایه» است و این وجه تسمیه به دلیل مسافت دوپست و هشتاد کیلومتری است که از «بَنک»^۳ در شمال آغاز می‌شود و در جنوب به «لنگه» می‌رسد. البته در این بین افرادی هم هستند که اعتقاد دارند انتهای این جغرافیا در شمال، به «شف» (شینو فعلی)^۴ یا «مَگام»^۵ می‌رسد. شبیکوه از ساحل به خلیج فارس و از خشکی به تپه‌های کنگان و مغویه^۶ می‌رسد. ارتفاع این تپه‌ها به ترتیب ۱۰ و ۵۰ کیلومتر است. در این فاصله جغرافیایی، بندرهای متعددی وجود دارند که در حاشیه خورها بنا شده‌اند. جزایر شیخ شعیب (لاوان)، شاتور، هندورابی، کشور فارس، از نظر تقسیم‌بندی دولتی همگی تابع بخش شبیکوه هستند.^۷ منطقه‌ای که در حال حاضر به نام شبیکوه می‌شناسیم، قبلاً «ایراhestan»^۸ نام داشته است. این کلمه در فارسی میانه از ترکیب «ایرا» به معنی ساحل و «ستان» که پسوند مکان است (به معنی ناحیه و منطقه) گرفته شده است. شبیکوه، بخشی از نواحی تحت فرمان «اردشیرخوره»^۹ بوده است. در آن زمان به مناطق ساحلی، سیف (ساحل) می‌گفتند و در حاشیه خلیج فارس سه سیف داشتیم. سیف عماره در شرق، سیف کیش، سیف زهیر در جنوب ایراهستان و حوالی سیراف (که بعدها بندر طاهری نامیده شد) و سیف مظفر در شمال نجیرام.

۱ جهت کسب اطلاعات بیشتر به یادداشت‌ها (۱) مراجعه فرمایید.

۲ جهت کسب اطلاعات بیشتر به یادداشت‌ها (۲) مراجعه فرمایید.

^۳ Banak

^۴ shivu

^۵ mogam

^۶ moghu

۷ جهت کسب اطلاعات بیشتر به یادداشت‌ها (۳) مراجعه فرمایید.

^۸ Irahestan

^۹ Ardashir Khurrah: (م) اردشیر بابکان پادشاه ساسانی

گیتاشناس‌های عرب باستان در آثار خود از روستاها و شهرهای ساحلی چون سیف بنی صفاق، سیف بنی زُهیر و سیف بن‌عمار نام برده‌اند.

زُهیر و مظفر، اسامی قبایل عربی بوده‌اند که از خلیج فارس عبور کردند و در منطقه‌ای که سیف‌زُهیر نام داشت و امروز به نام شیبکوه می‌شناسیم، ساکن شده‌اند. بر اساس نوشته‌های "اصطخری"^۱، طایفه صفاق هم که در سیف بنی‌صفاق ساکن شدند، رگ و ریشه کهلانی^۲ دارند. "کهلانی‌ها" از قبایل عربی "الْأزد"^۳ بودند که در جنوب خلیج فارس می‌زیستند. آنها بیشتر از سایر ممالک اسلامی امیرنشین در ایران ساکن شدند و از آن به خوبی دفاع کردند. یکی دیگر از قبایلی که از کرانه خلیج فارس ایران دفاع می‌کرد، طایفه بنی‌عمار بود که قلعه‌ای غربال نفوذ به نام "دیکدان یا دیک بایه"^۴ داشتند. در این قلعه حدود ۲۰ کشتی جا می‌شد. در عرب سیف بن‌عمار، جزیره کیش واقع شده است. هوزو^۵، بندر ساحلی جزیره کیش بود که در نزدیکی آن بندر سویه یا تونه^۶، واقع شده بود. در انتهای بخش غربی سیف بنی‌عمار، کرانه زُهیر واقع شده بود که بندرهای سیراف و نایند از جمله بندر مشهور در این منطقه بوده‌اند.^۷

در سده ۱۲ میلادی، نواحی جنوب کرانه شیبکوه یا همان سیف‌ها، عرب‌نشین بوده‌اند؛ در حالی که نواحی شمالی آن همچون سیراف هیچ‌گونه جمعیت عربی نداشته^۸ و در "فارس‌نامه" آمده: «...هوای این مناطق، بسیار گرم بوده است. دو سیف نامی این ناحیه، سیف "ابوزُهیر" [حوالی سیراف] و سیف عمار [زُهر و کیش] بوده‌اند. از این مناطق

^۱ ابراسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری جغرافیدان و نقشه‌نگار برجسته ایرانی سده چهارم هجری (م): Istakhri.
^۲ Gulanda: کهلان: ک قبیله ای است از یمن که از اولاد کهلان بن سبا هستند (متهی الأرب). هم قبیله ای از نازیان یمن (ناظم الاطباء). قبیله دوم از قحطانیان و آنان فرزندان کهلان بن سبا هستند و همه شاخه‌های آن از زیدین کهلان مشعب گردیده است. (از صبح الاعشی ص ۳۱۸ م) نام یکی از هفت قبیله سبا. رجوع به سبا و رجوع به کتاب صبح الاعشی شود)

^۳ Azd

^۴ Dikdan or Dikbayeh: وجه تسمیه دیک به دلیل شکل دیگ مانند قلعه بوده که روی سه‌پایه بنا شده (م):

^۵ Huzu

^۶ Saviyeh or Tanah

^۷ جهت کسب اطلاعات بیشتر به یادداشت‌ها (۴) مراجعه فرمایید

^۸ جهت کسب اطلاعات بیشتر به یادداشت‌ها (۵) مراجعه فرمایید

مسجد جامعی نداشته‌اند و در آنها چیزی جز نخل نمی‌روییده است.^۱ این منطقه همچون دوران گذشته، منطقه امنی نیست زیرا مردم این نواحی همه مسلح و راهزن هستند و به مال همسایه رحم نمی‌کنند و به خون هم تشنه هستند» ... «به‌علاوه، مردم این ناحیه هرگز زیر بار حکومت مرکزی نرفته‌اند، چون هیچ ارتشی نمی‌تواند منهای سه ماه بهار در این مناطق دوام بیاورد، زیرا زمستان‌ها باران شدیدی می‌بارد و علوفه‌ای برای [حیوانات] نیست و تابستان‌ها هم بسیار گرم است.» مردم این ناحیه با زور اسلحه مالیات می‌دادند.^۲ در متون سده ۱۴ م، از جمله "نزهةالقلوب حمدالله مستوفی"، هیچ اشاره‌ای به کرانه شیبکوه نشده است؛ گویی این مناطق یا به‌عیت چندانی نداشته یا از اهمیت کافی برخوردار نبوده است، در این کتاب هم همچون فارس نامه، تنها به مناطقی چون سیراف، ایراهستان، کهرجان، هوزو (= چیرو)، سویه (= تونه) اشاره شد. رومی از دیگر مناطق به میان نیامده است.^۳

با ظهور امپراتوری هرمزها^۴ که سال ۱۳۰۰ به وجود آمد، این ناحیه بین اعراب و پارسیان دست‌به‌دست شد. سوادکوه، کل، جمعیت نواحی شمالی شیبکوه، فارس‌ها بودند. بسیاری از صاحب منصبان و خاندان‌های سیاسی اهل خنج یا فال، از سرزمین اصلی شیبکوه بوده‌اند. سال ۱۵۲۰ م، نویسنده پرتغالی "باربوسا"^۵ نیز مانند "ابن ماجد" به جزیره‌های خلیج فارس اشاره می‌کند، اما هیچ کدام از آنها به جز بندرهای کوچک کرانه شیبکوه نمی‌برند. باربوسا می‌نویسد که بندرهای کوچکی در کرانه خلیج فارس وجود دارند و تنها به ذکر نام نایبند و بندرعباس که مانند سایر بندرها نزدیک تنگه هرمز بوده‌اند، اکتفا می‌کند.^۶

"باروس"^۷ مورخ پرتغالی، نیز تنها به اسامی جزیره‌ها، بندرهای کوچکی چون بیدخون، شیللو و بردستان اشاره کرده است. "پدرو تیکسیرا"^۸ به‌مانگرد بوده هم در نوشته‌های خود به جزایر اشاره کرده و از بندرهایی چون نخیلو، شیلار، بردستان و رأس‌نایبند

۹ این بلخی، فارس نامه، صفحات ۴۸-۴۷ (ن).

۱ این بلخی، فارس نامه، صفحه ۴۹ (ن).

۲ مستوفی، جغرافی، صفحات ۱۱۶، ۱۱۸؛ ابن بلخی، فارس نامه، صفحات ۵۰-۴۹ (ن).

۳ هرمز یکم ائلی ششم از سلسله ساسانیان (م).

۴ Barbosa

۵ جهت کسب اطلاعات بیشتر به یادداشت‌ها (۶) مراجعه فرمایید.

۶ Barros

۸ Pedro Teixeira

نام برده و گفته است: «دیگر بندرهای کوچک یا از اهمیت چندانی برخوردار نبوده‌اند و یا وجود خارجی نداشته‌اند».

بنی هوله

شواهد نشان می‌دهد اواخر سده ۱۶ م، اعرابی که بعدها به بنی هوله شهرت یافتند از عمان و امارات عربی متحده (کنونی)، به کرانه ایران، مهاجرت کردند. در فصل بعدی به بحث و بررسی گروهی از این اعراب به نام "نخیلو" می‌پردازم که طبق اسناد و مدارک، اولین گروه از هوله بودند که به کرانه شیبکوه مهاجرت کردند. در سده ۱۶ و ۱۷ م، پرتغالی‌ها به این دسته از اعراب نخیلو می‌گفتند که به احتمال زیاد وجه تسمیه آن به بندر نخیلو-اولین بندر ایرانی دور صفی که این اعراب در آن ساکن شدند- ارتباط دارد. در اواسط سده ۱۷ م، به این اعراب سنی نسب داده شد. سنی یا الهوله (در زبان عربی) می‌گفتند. هوله در لغت به معنی «هیولا» است (ضمیمه ۱)؛ به آن هم به احتمال زیاد به خاطر رعب و وحشتی بوده است که آنها در دل مردم انداخته بودند. اما "الهوله" به معنی «مهاجر» یعنی افرادی که از شبه جزیره عربستان به ایران آمده‌اند، است. رستگ این م‌نای صحیح کلمه است. از این واژه برای فارسی‌زبان‌هایی که از ایران به بحرین و یا بحر امیرنشین‌های شبه جزیره رفته‌اند نیز استفاده می‌شود؛ اما محور بحث این کتاب درباره مهاجران نیست. بنی هوله در سده ۱۸ م، نقش مهمی در خلیج فارس ایفا کرده‌اند و خاستگاه تنش‌های بین این مناطق و دولت‌های مرکزی ایران بوده‌اند. تلاش این اعراب در سده ۱۹ م، برای حفظ استقلال نسبی خود، موقعیت حساسی را ایجاد کرده است که من با بررسی فراز و نشیب‌های خاندان آخوند در بندرهای کنگان - طاهری به بررسی آن خواهم پرداخت. موقعیت و نقش این طایفه در جنوب کشور ایران، نمونه روشنی از وضعیت سایر بنادر شیبکوه است.

اطلاعات خاصی راجع به الگوی مهاجرت این اعراب در دسترس نیست، اما پرواضح است که مهاجرت اعراب از کشورهای امیرنشین به کرانه ایران تداوم داشته است. ظاهراً ورود مهاجران جدید به کرانه ایران در سده ۱۹ م، ریزش زیادی داشته است. برخی از

این اعراب از جمله "بوسمیت"^۱ ها، مدام از مکانی به مکان دیگر در حال کوچ بوده‌اند، اما در نهایت به خاستگاه خود برمی‌گردند.^{۴،۳،۲}



مردم هرمز

^۱ Bu Sumeyt

۲ جهت کسب اطلاعات بیشتر به یادداشت‌ها (۷) مراجعه فرمایید.

۳ جهت کسب اطلاعات بیشتر به یادداشت‌ها (۸) مراجعه فرمایید.

۴ جهت کسب اطلاعات بیشتر به یادداشت‌ها (۹) مراجعه فرمایید.

یادداشت‌های پیشگفتار

(۱) التون دانیل^۱، "اعراب، اسکان اعراب در ایران؛ دائرةالمعارف ایرانیکا (iranica.com)؛ بی. اسپلر^۲، "اعراب، گسترش اعراب: ایران در اوایل ظهور اسلام" و " دائرةالمعارف اسلامی^۳."

(۲). تاریخچه یکی از این گروه‌های عرب، به نام بنی کعب: "ظهور و افول بنی کعب. منطقه مرزی جنوب خوزستان"، اثر ویلم فلور IRAN XUV، (۲۰۰۶)، صفحات ۳۱۵ - ۲۷۷ و اثر جان آر. پری^۴، به نام "بنی کعب سرزمینی دوگانه در خوزستان"، *Le Monde iranien et Islam* ۱ (۱۹۷۱)، صفحات ۵۲ - ۱۳۱

(۳) گاه‌مه خلیج فارس کلکته، ۱۹۱۵ [۱۹۷۰]، جلد دوم، صفحات ۸۲ - ۱۷۸۰ نوشته "لوریمر، جی. سی"^۵ و داهنامه تاریخ ایران، جلد چهارم: Akademische Druck، ۱۹۸۹، جلد سوم، صفحات ۸۵ - ۱۷۳، نوشته "لودویگ ا. آدامک"^۶،

(۴). من املا و اسامی قبایل را آن‌گونه که در منابع زیر آمده‌اند، نوشته‌ام: شوارتز، پل^۷، "Iran im Mittelalter nach den Arabischen Geographen"، بخش ۹، جلد چهارم. موسسه تاریخ علوم عربی اسلامی، "Frankfurt am Main" چاپ مجدد ۱۹۳۶ - ۱۸۹۶، جلد دوم، صفحات ۷۵ - ۷۰. لسترنج، گای^۸، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، لندن ۱۹۰۵ [۱۹۶۶]، صفحات ۵۸ - ۲۵۶.

^۱ Elton Daniel

^۲ B. Spuler

^۳ John R. Perry

^۴ Lorimer, J. C.

^۵ Ludwig A. Adamec

^۶ Schwarz, Paul

^۷ Le Strange, Guy

- (۵). ابن بلخی، "فارس نامه"، اوایل سده ۱۴م، لندن: RAS، ۱۹۱۲، صفحات ۴۲-۴۱.
- (۶). دورات باربوسا، "کتاب دورات باربوسا" ترجمه ام. لانگ ورث دیمز، دو مجلد (لندن، ۱۹۱۸۲۱)، جلد یک، صفحه ۷۵.
- این ماجد، "دریانوردی اعراب در اقیانوس هند پیش از آمدن پرتغالی‌ها"، ترجمه جی. آر. تیبِتس، لندن، ۱۹۷۲.
- (۷). ژائو دو باروس، "Da Asia de Joao de Barros e de Diogo de Couto. Nova ed 24 vols. Lisboa. Na Regia Officina Typografica. ۱۷۸۸-۱۷۷۷ [چاپ، جدد: Livraria S. Carlos، ۱۹۷۵-۱۹۷۳]، صفحه ۳۱۶.
- (۸). پدر-تیکیرا، "سفرها"، ترجمه ویلیام اف. سینکлер، لندن ۱۹۰۲ [۱۹۹۱]، صفحات ۲۲-۲۰؛ سی. فریس، "البی"، Viaggidi C. Frederici e G. Balbi alle Indie Orientali "ویرش-ارکاستو" رم ۱۹۶۲، صفحه ۱۱۳ (Silau)؛ "سفرنامه ابن بطوطه"، ترجمه ای. ای. آر. گیب، ۴-جلد. کمبریج، انتشارات کمبریج، ۱۹۶۲، جلد ۲.
- (۹). ویلم فلور، "ظهور و افول"، مرکز توزیع کرانه عربی، ۱۹۳۰-۱۷۵۰. واشنگتن دی.سی: MAGE، ۲۰۱۰.

^۱ Duarte Barbosa

^۲ M. Longworth Dames

^۳ G.R. Tibbets

^۴ Joao de Barros

^۵ William F. Sinclair

^۶ C. Frederici and G. Balbi

^۷ Olga Pinto

^۸ H.A.R. Gibb